الگوها و اصول کالبدی خانه‌های سنتی کاشان

فرزاد فرناد*، حدیثه کامران کسمایی، مهدی خاکزند***، غلامرضا معماریان******

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷

چکیده
خانه‌های سنتی در طول زمان و به‌صورت تجربی برای رسیدن به کارایی بیشتر، به اصول و الگوهایی دست یافته‌اند که به‌صورت پیدا یا پنهان در همهٔ خانه ها تکرار می‌گردند و موجب می‌شوند به بهترین شکل با فرهنگ و اقلیم منطقه هماهنگ باشند. برخی از آن‌ها در محدودهٔ مکانی یا زمانی بزرگ‌تر و برخی در محدودهٔ کوچک‌تر استفاده می‌گردند.
هدف از این پژوهش، شناخت و بررسی اصول و الگوهای کالبدی خانه‌های سنتی شهر کاشان و ارائهٔ مصادیق آن است. نوع پژوهش کاربردی و کیفی است و با روش توصیفی و تحلیلی بر اساس مصداق‌پژوهی انجام یافته است. داده‌های این پژوهش از طریق برداشت‌های میدانی و مراجعه به منابع مکتوب گردآوری شده‌اند. جامعهٔ بررسی‌شده، خانه‌های سنتی کاشان و محدودهٔ مکانی آن، باروی جلالی و بازهٔ زمانی آن، قاجاریه و پهلوی اول است. مورد پژوهی شامل هشت خانه‌اند که به‌صورت تصادفی از مجموعه خانه‌های میراث فرهنگی انتخاب شده‌اند.
یافته‌های این پژوهش در سه الگوی اصلی از یکدیگر تفکیک شده‌اند: الگوی ارتباط با پیرامون و شهر؛ الگوی سازماندهی فضایی و شکل‌گیری؛ الگوی زیستی و عملکردی. این الگوها در مجموع شامل هشت اصل می‌گردند: هماهنگی با بافت زمینه؛ سادگی بدنهٔ خارجی؛ فضای منفی هستهٔ شکل‌دهنده؛ انسجام فضای مثبت؛ سازمان فضایی ترتیبی و مفصلی؛ محرمیت؛ تنوع فضای عملکردی؛ جبهه‌های متعدد برای فعالیت‌های مختلف. نتایج این پژوهش بیانگر نحوهٔ شکل‌گیری خانه‌ها بر اساس الگوها و اصول ذکرشده‌اند که از حیاط شروع می‌شوند و تا ارتباط با شهر به‌صورت رفت‌وبرگشت تکامل پیدا می‌کنند. این تحقیق می‌تواند با تبیین این اصول زمینه را برای شناخت سایر اصول و الگوهای شکل‌دهندهٔ خانه‌های سنتی هموار سازد.

کلمات کلیدی: خانهٔ کاشانی، الگوی سازماندهی فضایی، الگوی زیستی و عملکردی، الگوی ارتباط با شهر.

* دانشجوی دکتری تخصصی معماری، گروه معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران.
** استادیار، عضو هیات علمی تمام وقت معماری، گروه معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران.
Hadiskamran@pardisiau.ac.ir
*** دانشیار، عضو هیات علمی تمام وقت معماری، گروه معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
**** استاد، عضو هیات علمی تمام وقت معماری، گروه معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "تعیین جهت مؤثر بر پایداری بنا در کاشان با رهیافت اقلیمی– تجربی (تحلیل شهر، نگرش استادکاران و شبیه‌سازی)" در دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس به راهنمایی نویسندگان دوم و سوم و مشاوره نویسنده چهارم می‌باشد.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.87]

مقدمه

خانه حاصل تجربیات قرون متمادی از ترکیب عملکرد و فرهنگ و انطباق با اقلیم است و به‌دلیل این تکامل، میان گونه‌های مختلف معماری با اهمیت است. شهر کاشان نمونه‌های مهمی از خانه‌های قدیمی دارد که هماهنگی خاصی با اقلیم گرم‌وخشک این شهر دارند و با استفاده از امکانات طبیعی، مانند نور، سایه، آب، گذر فصول و شرایط آب‌وهوایی، آسایش ساکنین را فراهم می‌کنند (کامی شیرازی، ۱۳۹۰: ۱) پس از سه زلزلهٔ مهیب دورهٔ زندیه که کاشان را به ویرانه‌ای تبدیل (تتوی و همکار، ۱۳۸۲: ۵۷۳) کردند، در زمان قاجاریه شهر مجدد روی ویرانه‌ها بنا گردید؛ ولی به‌دلیل نگرانی از زلزله، خانه‌ها به‌دست استادکاران معمار ساخته شدند که موجب ارتقای کیفیت بناها و تنوع در خانه‌ها گردید. (رهبری، ۱۳۹۶: ۱؛ حنیف، ۱۳۹۷: ۳۲) معماری بافت قدیم کاشان، تلفیقی تکامل‌یافته از اصول اقلیمی و فرهنگ زیستی سنتی است که متأثر از معماری غرب است و از نظر شکلی، متنوع و وسیع و پرجزئیات و پیچیده است. این معماری که مربوط به محدودهٔ زمانی قاجار و پهلوی اول است، در مبانی شکل‌گیری با سایر خانه‌های حاشیهٔ کویری تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد که شناخت الگوها و اصول کالبدی خانه‌ها، ما را با نحوهٔ شکل‌گیری و دلایل پایداری آن‌ها آشنا می‌نماید. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است:

خانه‌های بافت قدیم شهر کاشان بر پایهٔ کدامین اصول و الگوهای کالبدی شکل گرفته‌اند؟

هدف از این پژوهش، شناخت و بررسی اصول و الگوهای کالبدی خانه‌های سنتی شهر کاشان و ارائهٔ مصادیق آن است.

ادبیات موضوع

پیشینهٔ پژوهش

پژوهش درمورد «اصول و الگوهای کالبدی خانه‌های یک شهر» در حوزهٔ گونه‌شناسی بررسی‌شدنی است. گونه در معماری، با توجه به نگاه کاربر آن تفسیر می‌شود. برخی کشف جنوتایپ یا الگوی زیستی پنهان بنا مدنظرشان است. برخی دیگر به فنوتایپ یا الگوی کالبدی بنا و شکل‌های مختلف آن توجه دارند. (معماریان و طبرسا، ۱۳۹۲: ۱۱۱) یک گونهٔ معماری، در پسِ اندام‌های کالبدی، یکسری نقشه‌های معنایی‌کالبدی را نیز پنهان نموده است. این نقشه‌های معنایی‌کالبدی «طرحواره یا الگو» نامیده می‌شوند. الگوها راه‌حل‌هایی‌اند که به‌وسیلهٔ اندام‌های مختلف بنا تحقق می‌یابند و در شرایط متفاوت قابل‌تکرار و تعمیم و تغییرشکل‌دادن‌اند (معماریان و دهقانیان تفتی، ۱۳۹۷: ۳۱). این پژوهش سعی دارد الگوهای کالبدی خانه‌های حیاط مرکزی کاشان را شناسایی و بررسی نماید.

از جمله سوابق اولیهٔ بررسی الگوی کالبدی می‌توان به پژوهش پلانز (Plunz, 2016) دربارهٔ شکل‌گیری شهر نیویورک بر اساس ویژگی‌های کالبدی مسکن از اواسط قرن ۱۹ تا ۲۱ اشاره نمود. مونتالبان و همکاران (Montalbán et all, 2018) در پژوهش «تعریف گونه‌شناسی ساختمان مسکونی در یک منطقهٔ تاریخی بر اساس مطالعهٔ موردی: درهٔ بئاتریس اسپانیا»، به تجزیه‌وتحلیل کالبدی خانه‌های بومی باقی‌مانده پرداخته‌اند و قلمرو، منظر، معماری و متغیرهای شهری را تجزیه‌وتحلیل کردند. الیف میچیوغلو و همکاران (Elif Mihçioğlu et all, 2020) در تحقیق «گونه‌شناسی ساختمان مابین بومی و مدرن: آنتاکیا در

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.87]

اوایل قرن بیستم» به تجزیه و تحلیل خصوصیات شهری و معماری ساختمان‌های خیابان کورتولوس پرداخته‌اند و از روش‌های ریخت‌شناسی شهری و گون‌ریخت‌شناسی کالبدی استفاده نمودند. از نمونه پژوهش‌های داخل کشور نیز می‌توان اشاره کرد: (میرسجادی و فرکیش؛ ۱۳۹۵) در مقالهٔ «بازشناسی الگوها و شناخت فاکتورهای کالبدی تأثیرگذار در بافت مسکونی سنتی نیشابور» روندی مشابه با این پژوهش در تحلیل الگوها و مشخصات را در نظر داشته‌اند و به بررسی مؤلفه‌های شکل‌دهندهٔ کالبدی خانه‌های سنتی پرداخته‌اند و ابراز داشتند که توده و فضا، ارتباط عملکردی، توزیع و چیدمان و ارتفاع‌گذاری به‌ترتیب اولویت‌های شکل‌گیری خانه برای دستیابی به تداوم الگویی در طراحی جدید باشند. (فرح‌بخش و همکاران؛ ۱۳۹۶) در پژوهش «گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی بافت قدیم شهر مشهد، از اوایل قاجار تا اواخر پهلوی اول» به تحلیل مشخصات کالبدی خانه‌های هم‌دوره با این پژوهش پرداخته‌اند و خانه‌های تاریخی شهر را به سه دسته، شامل دو گونهٔ قاجاری (نیمهٔ اول و نیمه دوم) گونهٔ سوم پهلوی اول دسته‌بندی کردند. (حسنی و همکار؛۱۳۹۷) ضمن بررسی الگوی نوین از دستور زبان شکل در معماری خانه‌های مجموعه‌ای قاجاری شهرهای تبریز و تهران، درصدد بیان الگویی کالبدی برای خانهٔ معاصر بر اساس جوهرهٔ معماری خانه‌های دوران قاجار برآمدند. (حسینی و همکاران؛ ۱۳۹۷) در مقالهٔ «گونه‌شناسی خانه‌های سنتی اراک» با بررسی ویژگی‌های خانه‌های مسکونی بافت قدیم، عناصر عمومی و عناصر کالبدی و اجزای آن و کاربرد آن‌ها را در خانه‌های قدیمی اراک را بررسی کردند. (فلامکی و طاهری؛ ۱۳۹۹) در پژوهشی با موضوع «بررسی روند تغییر الگوی خانه به‌سمت یکسان‌سازی و جهانی‌سازی فضاهای زیستی و تأثیر بلندمرتبه‌سازیِ مسکونی بر تشدید آن» بر اساس نمونه‌هایی از کالبدی خانه در شهرهای مختلف، مانند این پژوهش به بیان ویژگی‌های الگوی خانهٔ ایرانی پرداخته‌اند و سپس آن را با الگوی نمونه‌های خانه‌های جدید مقایسه کردند.

مبانی نظری

خانه‌های حیاط مرکزی کاشان برای تطابق با فرهنگ و اقلیم، از الگوهایی پیروی می‌نمایند که در سه حوزه تفکیک‌پذیرند:

الف) الگوی ارتباط با پیرامون و شهر؛

ب) الگوی سازماندهی فضایی و شکل گیری؛

ج) الگوی زیستی و عملکردی.

چهارچوب هریک از الگوها با اصولی تبیین می‌گردد که بر اساس بررسی نگارنده به‌ترتیب زیر است.

اصول مرتبط با الگوی الف: خانه جزئی از کل؛ سادگی بدنهٔ خارجی.

اصول مرتبط با الگوی ب: حیاط مرکز تکامل خانه و درونگرایی؛ انسجام فضای مثبت؛ سازمان فضایی ترتیبی و مفصلی.

اصول مرتبط با الگوی ج: محرمیت؛ تنوع فضای عملکردی؛ جبهه های متعدد برای فعالیت‌های مختلف.

در این بخش این اصول را با توجه به منابع مکتوب خواهیم شناخت.

هماهنگی جزء با کل

«در معماری بومی کویر، ساختمان‌ها به‌صورت منفرد تصورشدنی نیستند. آن‌ها جزئی کوچک از طبیعت پیرامونی، عضو هم‌خوان با اکولوژی و عنصری هماهنگ در بستر خودشان و در نهایت در بستر محیط زیست‌اند» (احمدی، ۱۳۹۱: ۳۶). «هر کل مرکب از عناصری است که با یکدیگر ترکیب شده‌اند. این ترکیب به‌شیوهٔ خاصی است و تغییرات در اجزا و کل در جهت حفظ

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]

[DOI: DOI: 10.22034/40.176.87]

ثبات و انسجام کل مجموعه است» (نوابخش و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۷).

سادگی بدنهٔ خارجی

«از ویژگی‌های معماری خانه‌های سنتی،سادگی بیرون و توجه به درون است که در خانه‌های کاشان نیز دیده می‌شود. نمای آجری سادهٔ بدنه بیرونی و سردها ورودی‌های شکیل بیانگر این ویژگی‌اند» (عابدی و وطن‌دوست، ۱۳۹۶، ۱). می‌توان بی‌تزیینی و سادگی نمادهای بیرونی ساختمان را محصول اهمیت باطن و درون و در تقابل با عینیت‌های مادی در اندیشهٔ اسلامی دانست (نوایی، ۱۳۹۰، ۲۵). «این اصل همچنین سبب می‌شود جدارهٔ بیرونی خانه کمتر روزنه‌ایی به‌جز ورودی به معبر داشته باشد» (سلطان زاده،۱۳۹۰: ۱۷۶).

حیاط مرکز تکامل خانه و درونگرایی

«مرکز نقطه‌ای است که تمامی حرکات افقی در آن به هم می‌رسند. عموماً به‌عنوان محور جهانی، عمودی که زمین و آسمان را به هم پیوند می‌زند، است» (شولتز، ۱۳۹۲: ۳۲). « از حیاط به‌عنوان "میان‌سرا" یاد شده است که مرکزیت و درونگرایی را تلویحاً اشاره دارد» (سلطان‌زاده ،۱۳۹۰: ۷۴). در نواحی گرم‌وخشک حیاط در مرکز شبکه‌ها و مقاطع فضایی قرار می‌گیرد و شکل‌دهنده به همهٔ ساختارها خواهد بود.(حنیف، ۱۳۹۷: ۳۲). «حیاط در خانه زایندهٔ نیروی مرکزگراست. مرکزیت اجزای به‌ظاهر مختلف خانه را به هم پیوند می‌زند» (حمزه‌نژاد و دشتی، ۱۳۹۵: ۲۶). حیاط مرکزی با ایجاد خرداقلیم با شرایط مطلوب، فضاهای پیرامونی خودش را از آن بهره‌مند می‌گرداند..در خانهٔ ایرانی، بیرون هم به درون آورده شده است؛ یعنی گفت‌وگو میان درون و برون در داخل خود خانه روی می‌دهد (فریاد و دیگران، ۱۳۹۶: ۱).

انسجام فضای مثبت

«تأثیر اقلیم گرم‌وخشک مناطق مرکزی بر شکل‌گیری مسکن در دوران تاریخی به‌گونه‌ای بوده است که بدون استثنا، همهٔ فضاها حول یک فضای مرکزی شکل گرفته‌اند که این شکل‌گیری فضاهای متعدد از نظم و انضباط خاصی تبعیت می‌کند» (یاران و همکاران، ۱۳۹۰، ۲۰۶). این نظم و هماهنگی در اجزا نیز تعمیم می‌یابد. «فضا محور و عامل پدیداری یک کل منسجم و پیوسته در بناها و شهرهای بومی ایران است» (مرادی و طاهرسیما، ۱۳۹۵، ۱).

سازماندهی فضایی ترتیبی و مفصلی

«سازماندهی فضایی داخل خانه از فرم شبکه پیروی می‌کند و ارتباط‌دهندهٔ فضاها، راهروهایی‌اند که از شبکهٔ مفروض خارج می شوند» (Roodgar et all, 2011, 812). جانمایی و موقعیت مکانی هر فضا در عمق تعیین‌شده با رفتار اجتماعی رابطهٔ مستقیم دارد. همچنین تمام خانه‌ها مناطق عمومی، نیمه‌عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی دارند (Zarei & Yeganeh, 99, 2019). در این خانه‌ها، سازماندهی احجام، فرم‌ها، روشنایی و نحوهٔ چیدمان عملکردها و فضاهای داخلی نیز دیده می‌شوند که بیانگر ترتیب در قرارگیری آن‌هاست. «کمی بالاتر از حیاط، صفه قرار دارد که به آن بهارخواب هم می‌گویند. کمی بالاتر از صفه، شارمی که پیاده‌روی سربازی است برای تأمین دسترسی فضاهای واقع در بالاخانه قرار دارد. کمی بالاتر از شارمی، مهتابی و بالاخره بالاتر از همه، فضاهای باز و بام خانه واقع شده‌اند (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸: ۱۲۰). (خانه‌های کاشان) ویژگی‌هایی از توجه سازنده و معمار به تقسیمات و سلسله‌مراتب فضایی را به همراه دارند. (یاران و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰۶).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.87]

محرمیت و تفکیک فضای عمومی و خصوصی

«در خانه‌های قدیمی با تعریف دقیق از فضاهای نیمه‌خصوصی، خصوصی، نیمه‌عمومی و عمومی برای اعضای هر خانه مسیر حرکت و زندگی تا حدود زیادی مشخص شده بود» (زندی محب، ۱۳۹۷، ۱۷). خانه‌های کاشان با سردر ورودی و هشتی و دالان فضای بیرونی بنا را از فضاهای درونی مجزا می‌نماید (یاران و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰۶). «مردم مستقیماً و یک‌باره وارد بنا نمی‌شدند؛ بلکه پس از ورود به هشتی و مشاهدهٔ بخش محدودی از فضای داخلی بنا از طریق روزن باز یا مشبک تعبیه‌شده در یکی از دیوارها یا بدنهٔ هشتی به یکی از دالان‌های واقع در طرفین هشتی وارد و پس از آن به حیاط و سایر فضاهای درونی بنا داخل می‌شدند» (سلطان زاده، ۱۳۹۰: ۱۷۶).

تنوع فضاهای عملکردی

«شکل‌گیری بناها چه به‌صورت منفرد و چه مجتمع، بر اساس ترکیب سه الگوی فضاهای باز و نیمه‌باز و بسته در آن‌ها قابل‌مشاهده است. از فضاهای بسته می‌توان به انواع اتاق‌ها، شاه‌نشین، تالار، گوشواره، پستو، کنج، بالاخانه و...، فضاهای نیمه‌باز به ایوان و فضاهای باز به مهتابی، بهارخواب، پشت‌بام و حیاط اشاره کرد. فضای باز به‌عنوان اصلی‌ترین مکان حضور طبیعت در ساخت سکونت به شمار می‌رفته است» (حسنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۷).

جبهه‌های متعدد برای فعالیت‌های مختلف

«هر جبهه را به فصلی و ساعتی اختصاص داده‌اند. جبههٔ رو به آفتاب (شمالی) بخش زمستان‌نشین، جبههٔ پشت به آفتاب (جنوبی) بخش تابستان‌نشین و جبههٔ غربی برای ساعاتی از روزهای سرد زمستان در نظر گرفته شده‌اند» (معماریان، ۱۳۸۴: ۵۶). «بهترین حالت طراحی برای کنترل بار حرارتی، ساخت خانه‌ها به‌صورت چهارفصل است» (احمدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۱). «همواره تعادلی میان جبههٔ تابستان‌نشین و بخش زمستان‌نشین در طول سال وجود دارد و میزان حداقل انرژی دریافتی بخش زمستان‌نشین، معادل حداکثر انرژی دریافتی در بخش تابستان‌نشین است» (سهیلی فرد و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۷). ماهیت حیاط مرکزی به‌گونه‌ای است که در چهار سمت خودش با توجه به دریافت تابش و سایه و باد در فصل‌های مختلف، شرایط متفاوتی را ایجاد می‌نماید که هرکدام با عملکردی هماهنگ است. فضاهای مختلف یک خانه بنا بر نیاز در یک تا چهار طرف حیاط استقرار یافته‌اند (دربان و صالحی، ۱۳۹۹: ۴)

مواد و روش‌ها

روش تحقیق

پژوهش حاضر به بررسی الگوهای کالبدی و اصول شکل‌گیری خانه‌های بافت قدیم در شهر کاشان پرداخته است. نوع تحقیق کاربردی و کیفی و روش آن توصیفی‌تحلیلی است. داده‌های این پژوهش از طریق برداشت‌های میدانی و مراجعه به منابع مکتوب (منابع کتابخانه‌ای، مطالعات اسنادی) گردآوری شده‌اند. جامعهٔ موردبررسی خانه‌های بافت قدیم کاشان است که خیابان‌های محدودهٔ آن از شمال آیت‌الله طالقانی، شهید رجایی، آیت‌الله کاشانی و از غرب ملا محسن فیض کاشانی و شهید بخارایی، و از جنوب ملا فتح‌الله و جمشید کاشانی و از شرق جادهٔ کمربندی‌اند. بازهٔ زمانی نمونه‌ها اواخر قاجاریه و پهلوی اول است و هشت خانه به‌عنوان نمونهٔ مصادیق به‌صورت اتفاقی از مجموعهٔ نود خانهٔ سازمان میراث فرهنگی کاشان در بافت قدیم انتخاب گردیده‌اند. پیشبرد فرآیند پژوهش و اجرای آن در سه گام صورت گرفته است. گام نخست انتخاب نمونه‌ها و شناسایی آن‌ها، گام دوم تعیین اصول

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.87]

و الگوی کالبدی خانه‌ها بر اساس برداشت‌های میدانی و مراجعه به منابع مکتوب و نقشه‌ها و گام سوم تحلیل و نتیجه‌گیری است.

محدودهٔ موردمطالعه

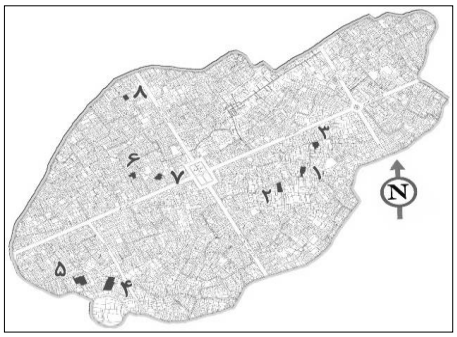
شهرستان کاشان با مختصات ۵۱ درجه و ۲۷ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۴ درجه عرض جغرافیایی از ۴ بخش کاشان، برزک، قمصر و نیاسر تشکیل شده است و شهر کاشان با مساحت ۸۵۰۰ هکتار، مرکز آن است (محمدی و مختاری، ۱۳۹۷: ۲) (تصویر شمارهٔ ۱). این منطقه از جنوب و غرب در محاصرهٔ سلسله‌کوه‌های مرکزی ایران قرار گرفته است و از جانب شمال و شمال‌شرق به زمین‌های شوره‌زار کویر مرکزی ایران اتصال پیدا می‌کند. باد سرخ، باد شهریاری، باد سام، باد شمال و باد قبله از بادهای معروف این منطقه‌اند که اکثراً از کویر به‌سوی کاشان می‌وزند (کربلائی درئی و حجازی‌زاده، ۱۳۹۶، ۸۸). جمعیت کاشان بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ برابر با ۴۸۲،۳۶۴ اعلام گردیده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان، ۱۳۹۵ : ۲۶).



ت۱. موقعیت شهر کاشان در کشور و استان (مأخذ: fa.maps-iran.com)

نمونه‌ها

برای شناخت اصول شکل‌دهندهٔ معماری خانه‌های سنتی کاشان همراه با منابع مکتوب و نظریات کارشناسی، نود نمونه از خانه‌ها بررسی شده‌اند که به‌سبب محدودیت حجم مقاله، هشت نمونه (جدول شمارهٔ ۱) برای بیان اصول و الگوهای کالبدی خانه‌ها در این پژوهش بررسی می‌گردند که انتخاب نمونه‌ها بر اساس روش تصادفی از بین خانه‌های سازمان میراث فرهنگی کاشان بوده است و پراکندگی آن‌ها در تصویر شمارهٔ ۲ آمده است.



ت۲. محل نمونه‌ها در محدودهٔ باروی جلالی (مأخذ: نقشهٔ بافت قدیم، سازمان میراث فرهنگی کاشان)

بحث در نتایج و یافته‌ها

بررسی اصول

در این بخش، اصول ذکرشده در مبانی نظری را با موردپژوهی بررسی می‌کنیم.

هماهنگی جزء با کل

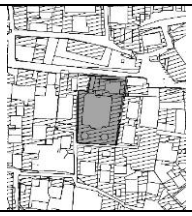
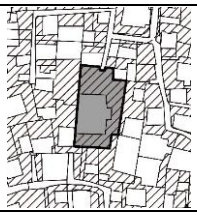
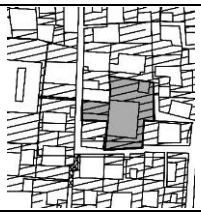
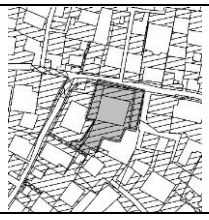
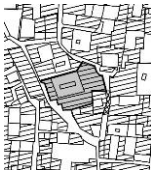
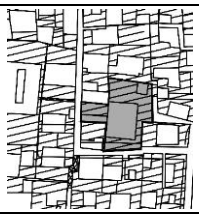
خانه‌های حیاط مرکزی کاشان مانند یک جزء از کل ساخته و پرداخته شده‌اند. کل (شهر) که دارای شخصیت است و به‌تدریج رشد کرده است و در رابطه با طبیعت و اقلیم به شکل و شمایل نهایی رسیده است. این نحوهٔ شکل‌گیری به حفظ انرژی هر واحد کمک کرده است و از هدررفت به‌وسیلهٔ سطوح بیرونی جلوگیری می‌کند. بافت ساختاری شهر به‌صورت تودهٔ منسجم عمل می‌نماید؛ به‌نحوی که وقتی به تصاویر هوایی نگاه می‌کنیم، مجموعه‌ای منظم و تکرارشونده از فضاهای خالی (حیاط مرکزی) و توده‌های سیال مشاهده می کنیم که به‌صورت پیوسته حیاط‌ها را در بر گرفته است (جدول شماره ۲).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.87]

ج۱. معرفی نمونه خانه‌های پژوهش، (مأخذ: نگارنده و فرخ یار، ۱۳۹۰)

خانهٔ منوچهری خیابان محتشم کاشانی، محلهٔ میر نشانه. ساخت: اوایل قاجار		**خانهٔ اصفهانیان** خیابان ملا شریف، محلهٔ دو مسجدون ساخت: اواخر قاجار	
خانهٔ فلاحتی خیابان محتشم، کوچهٔ قدر، پلاک ۲۴، محلهٔ سرپله ساخت: اواخر قاجار		**خانهٔ بروجردی‌ها** خیابان علوی، محلهٔ سلطان امیراحمد. ساخت: اواخر قاجار	
خانهٔ طباطبایی خیابان علوی، محلهٔ سلطان امیراحمد. ساخت: اواخر قاجار		**مهین سرای راهب** خیابان فاضل نراقی، کوچهٔ فرهنگ، محلهٔ دریاغ ساخت: اواخر قاجار	
خانهٔ احسان میدان کمال الملک، فاضل نراقی، کوچهٔ فرهنگ، محلهٔ درب باغ ساخت: اواخر قاجار		**خانهٔ صدوری** خیابان بابا افضل خیابان سی‌ام آزادی محلهٔ میدان کهنه ساخت: اواخر قاجار	

ج۲. نمونه‌ها در ارتباط با اصل هماهنگی با زمینه (مأخذ: نقشهٔ بافت قدیم شهر کاشان، سازمان میراث فرهنگی کاشان)

هماهنگ با زمینه	**خانه‌ها مانند یک جزء از کل شهر ساخته و پرداخته شده‌اند.**		
خانهٔ بروجردی‌ها	خانهٔ طباطبایی	خانهٔ منوچهری	خانهٔ صدوری
			
خانهٔ اصفهانیان	خانهٔ فلاحتی	خانهٔ احسان	خانهٔ مهینستان راهب
			

سادگی بدنهٔ خارجی

در بیرون خانه‌های کاشان، دیوارها نماسازی ندارند و غالباً برای حفظ انرژی، دیوارها با خانه‌های همسایه مشترک‌اند و به‌صورت حداقلی برای ورودی، راه به کوچه دارند. ورودی کوچک و به‌وسیلهٔ گذر از کوچه فاصله گرفته و داخل نشسته است و تزیینات ساده‌ای دارد (جدول شماره ۳). یکی از دلایل مهم استفاده‌نکردن از پنجره به بیرون بنا، اقلیمی است. حیاط مرکزی با بهره‌گیری از تابش و سایه‌اندازی و حوض و باغچه، محیطی کنترل‌شده و خرداقلیمی با شرایط مطلوب فراهم می‌آورد که حفظ هوا و رطوبت آن اهمیت زیادی دارد. لذا از ایجاد هرگونه روزن یا پنجره که منجر به خروج هوای مطلوب می‌شود، پرهیز می‌گردد. استفاده از درب کوچک و عبور از طریق دالان باریک به حیاط مرکزی به‌دلیل حفظ هوای ذخیره‌شدهٔ مطلوب در داخل حیاط است و به

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.87]

همین دلیل حیاط مرکـزی بـه بیـرون خانـه، روزن یـا پنجره ندارد.

ج۳. نمونه‌ها در ارتباط با اصل سادگی در بدنهٔ خارجی

سادگی در بدنهٔ خارجی	دیوار خشتی و بدون پنجره، نمای ورودی تورفته، ساده و کوچک		
خانهٔ بروجردی ها	خانهٔ طباطبایی	خانهٔ منوچهری	خانهٔ صدوری
			
			
خانهٔ اصفهانیان	خانهٔ فلاحتی	خانهٔ احسان	خانهٔ مهینستان راهب
			

هستهٔ شکل‌دهندهٔ منفی و درونگرایی

فضای منفی از جنبهٔ بصری و جمع و پخش فعالیت‌ها و ارتباطـات میـان فضـایی مرکزیـت دارد و حیـاط مرکزیبه‌عنوان مبدأ شکل‌گیری خانه، مأخـذ نـورگیری و منظر فضـاهای پیرامـونی اسـت. «مرکـز نقطـه‌ای اسـت که تمامی حرکات افقی در آن به هم مـی‌رسـند. عمومـاً به‌عنوان محـور جهـانی، عمـودی کـه زمـین و آسـمان را به هـم پیونـد مـی‌زنـد، اسـت» (شـولتز، ۱۳۹۲: ۳۲). «از حیاط بـه‌عنوان "میان‌سـرا" یـاد شـده اسـت کـه مرکزیت و درونگرایی را تلویحاً اشـاره دارد» (سـلطان زاده ،۱۳۹۰: ۷۴). در نـواحی گـرم‌وخشـک حیـاط در مرکـز شـبکه‌هـا و مقـاطع فضـایی قـرار مـی‌گیـرد و شکل‌دهنده بـه همـهٔ سـاختارها خواهـد بـود (حنیـف، ۱۳۹۷: ۳۲). «حیـاط در خانـه، زاینـدهٔ نیـروی مرکـز گراست. مرکزیت، اجزای به‌ظاهر مختلف خانه را به هم پیوند می‌زند» (حمزه‌نـژاد و دشـتی، ۱۳۹۵: ۲۶). حیـاط مرکزی بـا ایجـاد خـرداقلیم بـا شـرایط مطلـوب جـزء فضاهای پیرامونی خودش را از آن بهره‌مند مـی‌گردانـد. در خانهٔ ایرانی بیرون هـم بـه درون آورده شـده اسـت؛ یعنی گفت‌وگو میان درون و برون در داخل خـود خانـه روی مـی‌دهـد (فریـاد و دیگـران، ۱۳۹۶: ۱) (جـدول شماره ۴).

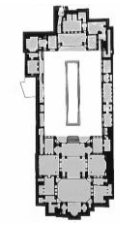
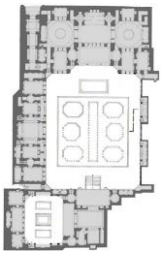
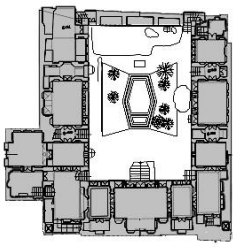
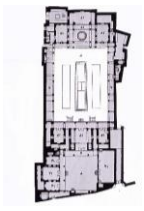
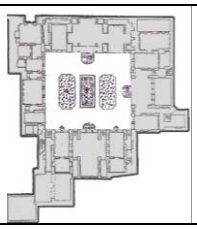
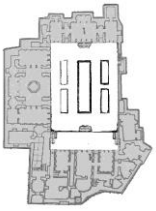
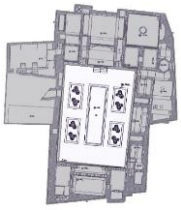
انسجام فضای مثبت

وجود انسجام نه‌تنهـا در بافـت شـهر کـه در هرخانـه هویداست. خانه یک فضای منفی میانی به‌عنـوان هسـته دارد و سایر فضاها در پیرامـون آن شـکل مـی‌گیرنـد و شـبکه‌ای از ارتباطـات منسـجم فضـایی را بـه وجـود می‌آورند (جدول شماره ۵). «تأثیر اقلـیم گـرم‌وخشـک مناطق مرکزی بر شکل‌گیری مسـکن در دوران تـاریخی به‌گونه‌ای بوده است که بدون استثنا، همهٔ فضـاها حـول

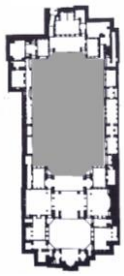
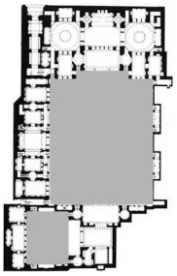
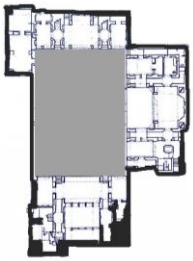
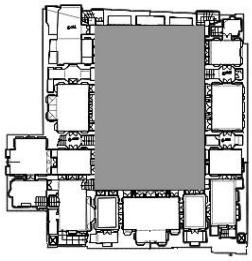
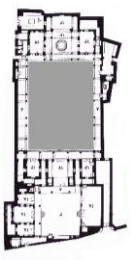
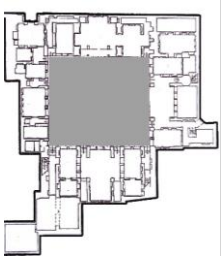
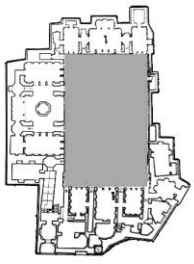
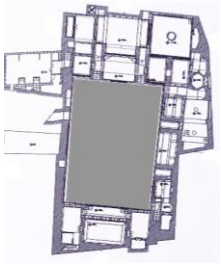
[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.87]

یک فضای مرکزی شکل گرفته‌اند که این شکل‌گیری فضاهای متعدد از نظم و انضباط خاصی تبعیت می‌کند» (یاران و همکاران، ۱۳۹۰، ۲۰۶). این نظم و هماهنگی در اجزا نیز تعمیم می‌یابد. «فضا محوری عامل پدیداری یک کل منسجم و پیوسته در بناها و شهرهای بومی ایران است» (مرادی و طاهرسیما، ۱۳۹۵، ۱). انسجام جزء فضاها به حفظ انرژی آن‌ها و جلوگیری از اتلاف هوای مطلوب کمک می‌کند.

ج۴. نمونه‌ها در ارتباط با اصل هستهٔ شکل‌دهندهٔ منفی و درونگرایی، (مأخذ: فرخ یار، حسین، ۱۳۹۰)

هستهٔ شکل‌دهندهٔ منفی	فضای منفی، مبدأ شکل‌دهندهٔ خانه و از جنبهٔ بصری و جمع و پخش فعالیت‌ها مرکزیت دارد و مأخذ نورگیری، فضاهای پیرامونی است		
خانهٔ بروجردی ها	خانهٔ طباطبایی	خانهٔ منوچهری	خانهٔ صدوری
			
خانهٔ اصفهانیان	خانهٔ فلاحتی	خانهٔ احسان	خانهٔ مهینستان راهب
			

ج۵. نمونه‌ها در ارتباط با اصل انسجام فضای مثبت، (مأخذ: فرخ یار، حسین،۱۳۹۰)

انسجام اجزا	ارتباط و انسجام بین جزء فضاهای پیرامون حیاط مرکزی از نظر کالبدی و کاربردی		
خانهٔ بروجردی ها	خانهٔ طباطبایی	خانهٔ منوچهری	خانهٔ صدوری
			
خانهٔ اصفهانیان	خانهٔ فلاحتی	خانهٔ احسان	خانهٔ مهینستان راهب
			

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]

[DOI: DOI: 10.22034/40.176.87]

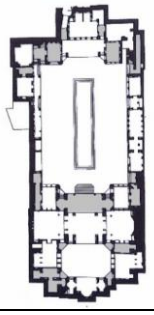
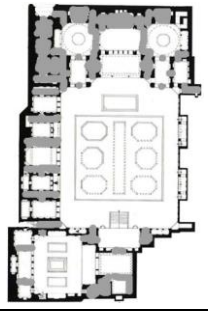
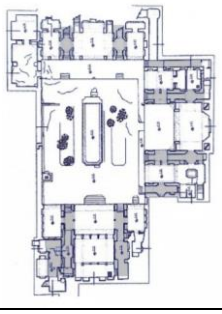
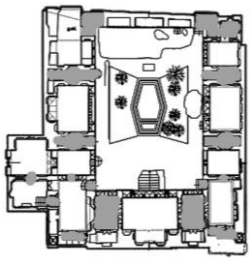
سازماندهی فضایی ترتیبی و مفصلی

«سازماندهی فضایی داخل خانه از فرم شبکه پیروی می‌کند و ارتباط‌دهندهٔ فضاها راهروهایی‌اند که از شبکهٔ مفروض خارج می‌شوند» (Roodgar et all, 2011, 812). در این خانه‌ها، برای تردد از یک فضای اصلی به فضای دیگر نیاز به عبور از فضای مفصلی یا میانی است که می‌توان دلایل آن را سه عامل عملکرد و اقلیم و فرهنگ دانست (جدول شماره ۶). از جمله «فضاهای میانی و ارتباطی» می‌توان حیاط، کریاس، زاویه و دالان را نام برد. جانمایی و موقعیت مکانی هر فضا در عمق تعیین‌شده با رفتار اجتماعی رابطهٔ مستقیم دارد. همچنین تمام خانه‌ها مناطق عمومی، نیمه‌عمومی ، نیمه‌خصوصی و خصوصی دارند (Zarei & Yeganeh,2019,99). در این خانه‌ها سازماندهی احجام، فرم‌ها، روشنایی و نحوهٔ چیدمان عملکردها و فضاهای داخلی نیز دیده می‌شوند که بیانگر ترتیب در قرارگیری آن‌ها هستند. «کمی بالاتر از حیاط، صفه قرار دارد که به آن بهارخواب هم می‌گویند. کمی بالاتر از صفه، شارمی که پیاده‌روی سربازی است برای تأمین دسترسی فضاهای واقع در بالاخانه قرار دارد. کمی بالاتر از شارمی، مهتابی و بالاخره بالاتر از همه، فضاهای باز و بام خانه واقع شده‌اند (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸: ۱۲۰). (خانه‌های کاشان) ویژگی‌هایی از توجه سازنده و معمار به تقسیمات و سلسله‌مراتب فضایی را به همراه دارند (یاران و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰۶).

محرمیت و تفکیک فضای عمومی و خصوصی

در معماری به مرحله‌گذاری یا لایه‌بندی مابین فضای عمومی و خصوصی محرمیت گفته می‌شود و هرچه نحوهٔ ارتباط و دسترسی (فیزیکی یا بصری) بین این دو فضا از مراحل بیشتری برخوردار باشد، از درجهٔ محرمیت بیشتری برخوردار است (جدول شماره ۷). «در خانه‌های قدیمی، با تعریف دقیق از فضاهای نیمه‌خصوصی، خصوصی، نیمه‌عمومی و عمومی، برای اعضای هر خانه مسیر حرکت و زندگی تا حدود زیادی مشخص شده بود» (زندی محب، ۱۳۹۷، ۱۷). خانه‌های کاشان با سردر ورودی، هشتی و دالان فضای بیرونی بنا را از فضاهای درونی مجزا می‌نماید (یاران و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰۶). «مردم مستقیماً و یک‌باره وارد بنا نمی‌شدند؛ بلکه پس از ورود به هشتی و مشاهده بخش محدودی از فضای داخلی بنا، از طریق روزن باز و مشبک تعبیه‌شده در یکی از دیوارها یا بدنهٔ هشتی به یکی از دالان‌های واقع در طرفین هشتی وارد و پس از آن به حیاط و سایر فضاهای درونی بنا داخل می‌شدند» (سلطان‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۷۶).

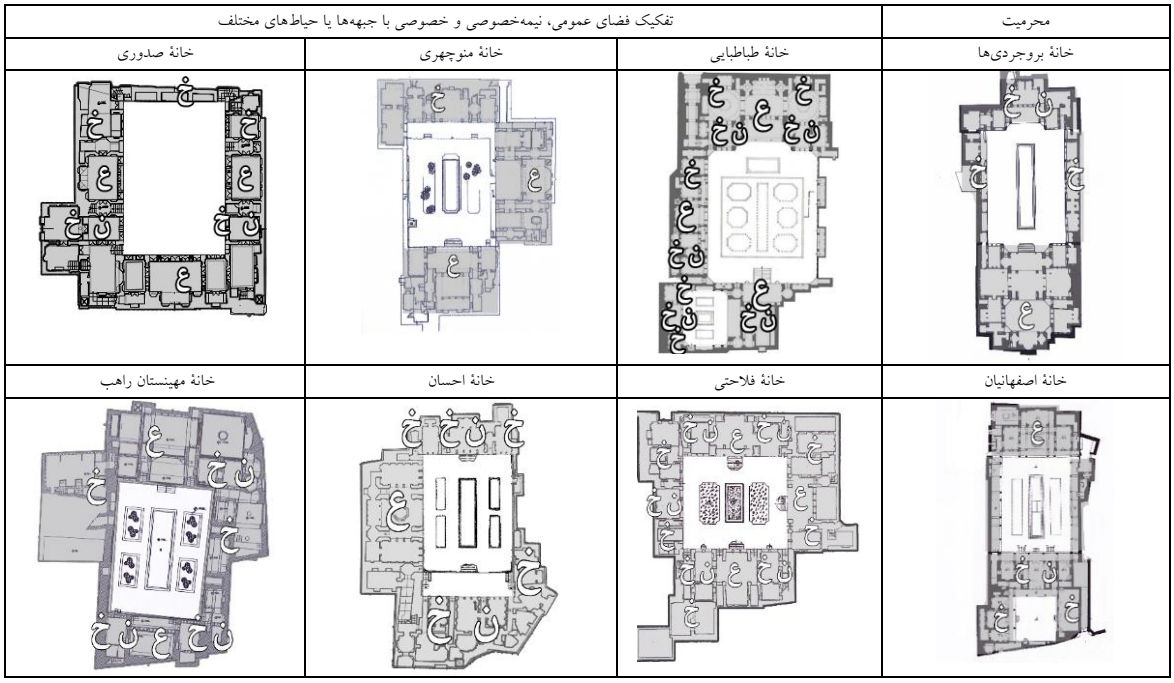
ج۶. نمونه‌ها در ارتباط با اصل سازماندهی فضایی ترتیبی و مفصلی، (فرخ یار، حسین؛۱۳۹۰)

سازماندهی فضایی ترتیبی- مفصلی	برای اتصال فضاهای اصلی به یکدیگر از فضای مفصل استفاده می‌شود ترتیب فضایی از کم‌عرض و تاریک تا فراخ و روشن، مکث و مجدد تاریک و کوچک، چرخش، بزرگ و روشن. همچنین در ترتیب احجام و عملکردها		
خانهٔ بروجردی ها	خانهٔ طباطبایی	خانهٔ منوچهری	خانهٔ صدوری
			

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.87]



ج۷. نمونه‌ها در ارتباط با اصل محرمیت و تفکیک فضاها به عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی
(مأخذ: فرخ یار، حسین؛۱۳۹۰)



[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.87]

تنوع فضاهای عملکردی

در خانه‌های کاشان بیش از چهل نوع جزء فضا شناسایی شده‌اند که برخی برای فعالیت خاص و برخی منعطف‌اند: انواع حیاط (بیرونی، اندرونی، طویله، آشپزخانه، نارنجستان، حیاط خلوت)؛ انواع اتاق(سه‌دری، پنج‌دری، زمستان‌نشین، تابستان‌نشین) غ تالار شاه‌نشین، هشتی، دالان، ایوان، درگاه، ورودی، تختگاه، طارمی، مهتابی، سرداب، پس سرداب، نورگیر شارمی، بام، کریاس، مطبخ، حوض‌خانه، بهارخواب، پس‌اتاق و پستو، پرگه، دولاب، بالاخانه (جدول شماره ۸).

ج۸ نمونه‌ها در ارتباط با اصل تنوع فضاهای عملکردی

تنوع فضاهای عملکردی	بیش از چهل نوع جزء فضا شناسایی شده‌اند که برخی برای فعالیت خاص و برخی منعطف‌اند		
خانهٔ بروجردی‌ها	خانهٔ طباطبایی	خانهٔ منوچهری	خانهٔ صدوری
حیاط بیرونی، حیاط اندرونی، طویله، سه‌دری، پنج‌دری، زمستان‌نشین، تابستان‌نشین، تالار و شاه‌نشین، هشتی، دالان، ایوان، درگاه، ورودی، تختگاه، طارمی، سرداب، پس‌سرداب، نورگیر، بام، کریاس، مطبخ، پس اتاق و پستو، پرگه، بالاخانه، انبار و زیرزمین.	حیاط بیرونی، حیاط اندرونی، نورگیر(پاسیو)، طویله، سه‌دری، پنج‌دری، زمستان‌نشین، تابستان‌نشین، تالار و شاه‌نشین، هشتی، دالان، ایوان، درگاه، ورودی، طارمی، سرداب، پس‌سرداب، بام، کریاس، مطبخ، حوض‌خانه، بهارخواب، پس‌اتاق و پستو، پرگه، بالاخانه، انبار و زیرزمین	حیاط بیرونی، حیاط اندرونی، طویله، سه‌دری، پنج‌دری، زمستان‌نشین، تابستان‌نشین، تالار و شاه‌نشین، هشتی، دالان، ایوان، درگاه، ورودی، طارمی، سرداب، پس‌سرداب، بام، کریاس، مطبخ، حوض‌خانه، بهارخواب، پس‌اتاق و پستو، پرگه، بالاخانه، انبار و زیرزمین	حیاط بیرونی، حیاط اندرونی، طویله، سه‌دری، پنج‌دری، زمستان‌نشین، تابستان‌نشین، تالار و شاه‌نشین، هشتی، دالان، ایوان، درگاه، ورودی، سرداب، پس‌سرداب، بام، کریاس، مطبخ، پس‌اتاق و پستو، پرگه، بالاخانه، انبار و زیرزمین.
خانهٔ اصفهانیان	خانهٔ فلاحتی	خانهٔ احسان	خانهٔ مهینستان راهب
حیاط بیرونی، حیاط اندرونی، طویله، سه‌دری، پنج‌دری، زمستان‌نشین، تابستان‌نشین، تالار و شاه‌نشین، هشتی، دالان، ایوان، درگاه، ورودی، طارمی، سرداب، پس‌سرداب، نورگیر، بام، کریاس، مطبخ، حوض‌خانه، بهارخواب، پس‌اتاق و پستو، پرگه، بالاخانه، انبار و زیرزمین.	حیاط بیرونی ، طویله، سه‌دری، پنج‌دری، زمستان‌نشین، تابستان‌نشین، تالار و شاه‌نشین، هشتی، دالان، ایوان، درگاه، ورودی، طارمی، سرداب، پس‌سرداب، بام، کریاس، مطبخ، پس‌اتاق و پستو، پرگه، بالاخانه، انبار و زیرزمین	حیاط بیرونی، طویله، سه‌دری، پنج‌دری، زمستان‌نشین، تابستان‌نشین، تالار و شاه‌نشین، هشتی، دالان، ایوان، درگاه، ورودی، تختگاه، حوض‌خانه، طارمی، سرداب، پس‌سرداب، بام، کریاس، مطبخ، پس‌اتاق و پستو، پرگه، بالاخانه، انبار و زیرزمین.	حیاط بیرونی، حیاط اندرونی، طویله، سه‌دری، پنج‌دری، زمستان‌نشین، تابستان‌نشین، تالار و شاه‌نشین، هشتی، دالان، ایوان، درگاه، ورودی، تختگاه، حوض‌خانه، طارمی، سرداب، پس‌سرداب، بام، کریاس، مطبخ، پس‌اتاق و پستو، پرگه، بالاخانه، انبار و زیرزمین.

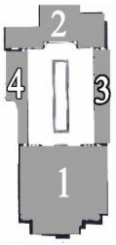
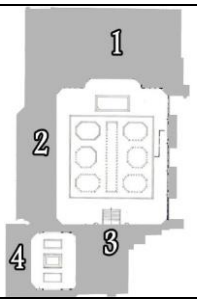
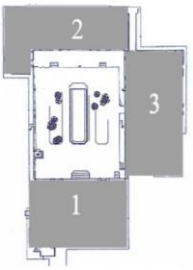
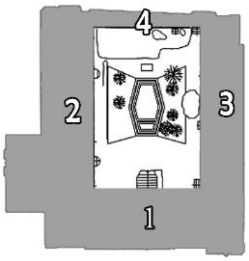
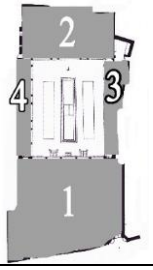
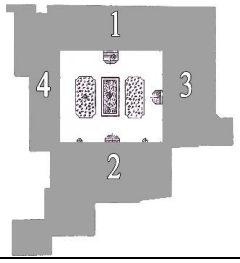
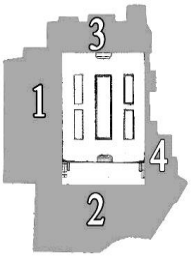
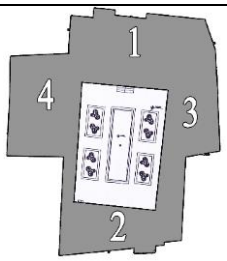
«شکل‌گیری بناها چه به‌صورت منفرد و چه مجتمع، بر اساس ترکیب سه الگوی فضاهای باز، نیمه‌باز و بسته در آن‌ها قابل‌مشاهده است. از فضاهای بسته می‌توان به انواع اتاق‌ها، شاه‌نشین، تالار، گوشواره، پستو، کنج، بالاخانه و...، فضاهای نیمه‌باز به ایوان و فضاهای باز به مهتابی، بهارخواب، پشت‌بام و حیاط اشاره کرد. فضای باز به‌عنوان اصلی‌ترین مکان حضور طبیعت، در ساخت سکونت به شمار می‌رفته است» (حسنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۷).

جبهه‌های متعدد برای فعالیت‌های مختلف

در کاشان، خانه‌های بزرگ و مجموعه‌ای به‌صورت چهارجبهه‌اند (چهارفصل) و خانه‌های کوچک‌تر، بنابر وسعت و عرض زمین، جبههٔ کمتر دارند. «هر جبهه را به فصلی و ساعتی اختصاص داده‌اند. جبههٔ رو به آفتاب (شمالی) بخش زمستان‌نشین، جبههٔ پشت به آفتاب(جنوبی) بخش تابستان‌نشین و جبههٔ غربی برای ساعاتی از روزهای سرد زمستان در نظر گرفته شده‌اند» (معماریان، ۱۳۸۴: ۵۶). «بهترین حالت طراحی برای کنترل بار حرارتی، ساخت خانه‌ها به‌صورت چهارفصل است» (احمدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۱). «همواره تعادلی میان جبههٔ تابستان‌نشین و بخش زمستان‌نشین در طول سال وجود دارد و میزان حداقل انرژی دریافتی پخش زمستان‌نشین، معادل حداکثر انرژی دریافتی در بخش تابستان‌نشین است» (سهیلی فرد و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۷). ماهیت حیاط مرکزی به‌گونه‌ای است که در چهار سمت خودش با توجه به دریافت تابش و سایه و باد در فصل‌های مختلف، شرایط متفاوتی را ایجاد می‌نماید که هرکدام با عملکردی هماهنگ است. فضاهای مختلف یک خانه بنا بر نیاز در یک تا چهار طرف حیاط استقرار یافته‌اند (دربان و صالحی، ۱۳۹۹: ۴) (جدول شماره ۹).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.87]

ج۹. نمونه‌ها در ارتباط با اصل جبهه‌های متعدد برای فعالیت‌های مختلف، (مأخذ: فرخ یار، حسین؛۱۳۹۰)

جبهه‌ها برای فعالیت های مختلف	خانه‌های بزرگ چهار جبهه‌اند و معمولاً شمال زمستان‌نشین و جنوب تابستان‌نشین و شرق و غرب خدماتی و چند منظوره‌اند		
خانهٔ بروجردی‌ها	خانهٔ طباطبایی	خانهٔ منوچهری	خانهٔ صدوری
			
خانهٔ اصفهانیان	خانهٔ فلاحتی	خانهٔ احسان	خانهٔ مهینستان راهب
			

نتیجه

خانه‌های حاشیهٔ کویر مرکزی ایران، از جمله بافت قدیم کاشان، برای هماهنگی با فرهنگ و تطابق با اقلیم، بر اساس اصولی شکل می‌گیرند که مبنای ماهیت و هویت آنها هستند. این اصول سازندهٔ بستری‌اند که در آن فضاها با فرم‌ها و حجم‌های مختلف شکل می‌گیرند. هدف از این پژوهش، شناخت و بررسی اصول و الگوهای کالبدی خانه‌های سنتی شهر کاشان و ارائه مصادیق آن بود. مطابق تصویر شمارهٔ ۳، حین شکل‌گیری خانه، سلسه اصولی از نحوهٔ ارتباط با شهر تا نحوهٔ ارتباط با ساکنان به‌شکل الگویی و به‌صورت رفت‌وبرگشت توجه می‌شوند تا شکل نهایی پدید می‌آید که در این پژوهش، در سه الگو تقسیم‌بندی گردیدند:

الف) الگوی ارتباط با پیرامون و شهر؛

ب) الگوی سازماندهی فضایی و شکل‌گیری؛

ج) الگوی زیستی و عملکردی. اصول در این سه حوزه به ترتیب زیرند:

اصول الگوی الف: هماهنگی با بافت زمینه؛ سادگی بدنهٔ خارجی.

اصول الگوی ب: فضای منفی هستهٔ شکل‌دهندهٔ خانه و درونگرایی؛ انسجام فضای مثبت؛ سازمان فضایی ترتیبی و مفصلی.

اصول الگوی ج: محرمیت؛ تنوع فضای عملکردی؛ جبهه‌های متعدد برای فعالیت‌های مختلف.

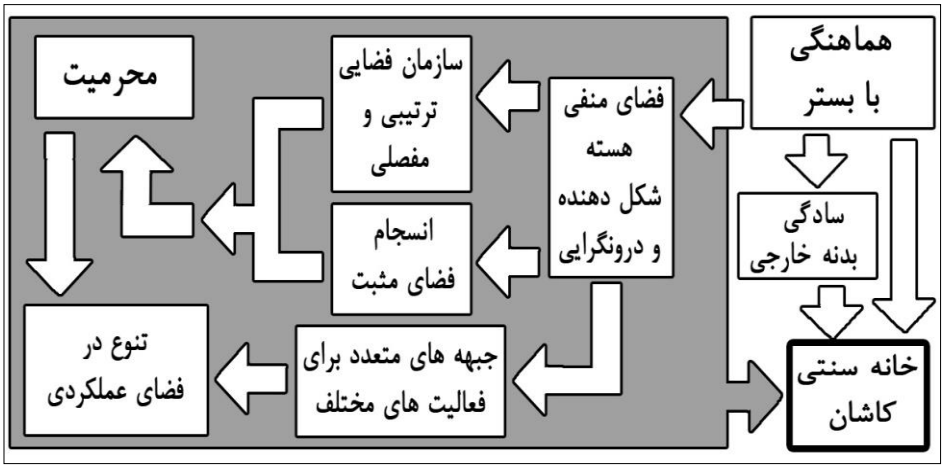
همچنین بر اساس بررسی‌های این پژوهش نتایج زیر را می‌توان اشاره نمود:

– شکل‌گیری خانه پس از شناخت زمین و پیرامون آن از انتخاب محل حیاط مرکزی و تناسبات آن و تعداد جبهه‌ها شروع می‌شده است؛

– هنگام شکل‌گیری خانه، همان طور که به شکل‌گیری داخلی پرداخته می‌شده‌است، به‌طور هم‌زمان به ارتباط

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.87]

با شهر، کوچه، گذر و واحدهای همسایگی نیز توجه می‌گردیده است؛
– شکل‌گیری فضاهای داخل بر اساس راهکارها و الگوهای مبتنی بر سه اصل انسجام و سازماندهی ترتیبی و محرمیت تکمیل می‌شده است؛
– وجود جبهه‌ها و قرارگیری فضاها در موقعیت‌های متفاوت ارتفاعی و جهات آن‌ها به تنوعی از مشخصات برای فضاها منجر می‌شده است که هرکدام به فعالیت هماهنگ با آن اختصاص داشته است؛
– پوستهٔ بیرونی در حداقل طول و فاقد روزن از بابت هدررفت انرژی تکمیل می‌گردیده است و فاقد نماسازی بوده است.



ت۳. ارتباط اصول در روند شکل‌گیری خانه‌های سنتی کاشان

پی‌نوشت

1. https://.talab.org, http://manouchehri.uspace.ir, https://razheh.com/buildings, https://archisoft.ir.

فهرست منابع

– احمدی، زهرا. (۱۳۹۱)، بازخوانی نقش گمشدهٔ حیاط مرکزی در دستیابی به معماری پایدار. نشریهٔ شهر و معماری بومی، شمارهٔ ۲، ۲۵–۴۰.
– احمدی، سیدابراهیم؛ کامران کسمایی، حدیثه؛ برکئی، ملیکا. (۱۳۹۸)، بررسی تأثیر بارهای حرارتی ساختمان در اقلیم گرم‌وخشک (کاشان). دومین کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام، تبریز، ۱–۱۲.
– تتوی، قاضی احمد؛ آصف خان قزوینی. (۱۳۸۲)، تاریخ الفی. ترجمهٔ غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات علمی‌فرهنگی، تهران.
– حائری مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۸۸)، خانه، فرهنگ، طبیعت. بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به‌منظور تدوین و فرآیند و معیارهای طراحی خانه، مرکز مطالعاتی تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
– حسنی، کیانوش؛ نوروز برازجانی، ویدا؛ نصیرسلامی، محمدرضا. (۱۳۹۵)، بازخوانی فرم حیاط و فضاهای وابستهٔ آن با استفاده از دستور زبان شکل در معماری در یکصد خانهٔ دورهٔ قاجار شهر کاشان. باغ نظر، سال سیزدهم، شمارهٔ ۴۴، ۶۵–۷۶.
– حسنی، کیانوش؛ نوروز برازجانی، ویدا. (۱۳۹۷)، الگوی نوین از دستور زبان شکل در معماری خانهٔ امروز؛ نمونهٔ موردی: خانه‌های مجموعه‌ای قاجاری شهرهای تبریز و تهران. ماهنامهٔ باغ نظر، سال ۱۵، شمارهٔ ۶۳، ۲۹–۴۰.
– حسینی، علی؛ فروتن، منوچهر ؛ صالحی، سعید. (۱۳۹۷)، گونه‌شناسی خانه‌های سنتی اراک. نشریهٔ آرمانشهر، شمارهٔ ۲۵، ۲۷–۴۴.
– حمزه‌نژاد، مهدی؛ دشتی، مینا. (۱۳۹۵)، بررسی خانه‌های سنتی ایرانی از منظر پدیدارشناسان و سنت‌گرایان معنوی. نشریهٔ نقش‌جهان. مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی، دورهٔ ۶، شمارهٔ ۲، ۲۴–۳۵.
– حنیف، احسان. (۱۳۹۷)، مفهوم سکونت و تأثیر آن بر حیاط

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.87]

خانه‌های ایرانی؛ مطالعهٔ موردی: خانه‌های کاشان دورهٔ قاجار. اندیشهٔ معماری، سال دوم، شمارهٔ ۴، ۳۱-۴۴.
- دربان، علی؛ صالحی، صدیقه‌السادات. (۱۳۹۹)، بررسی معماری هم‌ساز با اقلیم در منازل مسکونی کاشان. نشریهٔ معماری‌شناسی. سال سوم. شمارهٔ ۱۴، ۷-۱۳.
- رهبری، محمدجواد. (۱۳۹۶)، بررسی معماری خانه‌های کاشان در نیمهٔ دوم قرن ۱۳ هجری (دورهٔ قاجار). پنجمین همایش ملی الگوی معماری و شهرسازی اسلامی، نطنز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نطنز، ۱-۱۱.
- زندی محب، آرزو. (۱۳۹۷)، شناخت و تحلیل شش خانهٔ ایرانی در اقلیم‌های متفاوت: گلشنی یزد، رسولیان یزد، امام جمعهٔ تهران، بروجردی‌های کاشان، طباطبایی کاشان، حیدرزادهٔ تبریز. نشریهٔ معماری‌شناسی، سال اول، شمارهٔ ۶، ۴-۱۸.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان. (۱۳۹۵)، گزیدهٔ سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۰)، فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۰)، نقش جغرافیا در شکل‌گیری انواع حیاط در خانه‌های سنتی ایران. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شمارهٔ ۷۵، ۷۴.
- سهیلی فرد، مهدی؛ اخترکاوان، حمید؛ فلاحی، سلوا؛ اخترکاوان، مهدی و محمدمرادی، اصغر. (۱۳۹۲)، بررسی تعامل اصول معماری ایرانی و انرژی خورشیدی از منظر فرم، تقارن و جهت‌گیری؛ نمونهٔ موردی: خانهٔ عباسیان کاشان. آرمان‌شهر، دورهٔ ۵، شمارهٔ ۱۱، ۸۱.
- شولتز، کریستیان نوربرگ. (۱۳۹۲)، مفهوم سکونت؛ به‌سوی معماری تمثیلی. ترجمهٔ محمود امیریاراحمدی،: نشر آگه، تهران.
- عابدی، محمدحسین؛ وطن‌دوست، رضا. (۱۳۹۶)، بررسی تزیینات در خانه‌های سنتی دورهٔ قاجار در شهر کاشان، سومین همایش بین‌المللی معماری عمران و شهرسازی در آغاز هزارهٔ سوم، تهران، دانشگاه البرز، ۱-۱۰.
- فرحبخش، مرتضی؛ حناچی، پیروز؛ غنائی، معصومه. (۱۳۹۶)، گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی بافت قدیم شهر مشهد، از اوایل قاجار تا اواخر پهلوی اول. دوفصلنامهٔ معماری ایرانی. شمارهٔ ۱۲، ۹۷-۱۱۶.
- فرخ یار، حسین. (۱۳۹۰)، صدخانه صدپلان؛ ویژگی‌های معماری خانه‌های قدیمی در بافت‌های تاریخی اقلیم گرم‌وخشک. کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان.
- فریاد، شقایق؛ میرشجاعیان حسینی، ایمان. (۱۳۹۶)، مفهوم درونگرایی در معماری خانه‌های سنتی ایران. پنجمین کنگرهٔ بین‌المللی عمران، معماری و توسعهٔ شهری، تهران، ۱-۱۰.
- فلامکی، محمدمنصور؛ طاهری، محمدامین. (۱۳۹۹)، بررسی روند تغییر الگوی خانه به‌سمت یکسان‌سازی و جهانی‌سازی فضاهای زیستی و تأثیر بلندمرتبه سازیِ مسکونی بر تشدید آن. هفتمین کنفرانس بین‌المللی مهندسی عمران، معماری و محیط‌زیست، برلین، ۱-۸.
- کامی شیرازی، سیده مهسا. (۱۳۹۰)، تأثیر بوم بیابانی کاشان بر معماری خانه‌های کاشان؛ بررسی موردی خانهٔ بروجردی‌های کاشان. همایش ملی بوم‌های بیابانی، گردشگری و هنرهای محیطی، نجف‌آباد، ۱-۱۰.
- کربلائی دری، علیرضا؛ حجازی‌زاده، زهرا. (۱۳۹۶)، بهینه‌سازی جهت‌گیری استقرار ساختمان در شهر کاشان بر اساس شرایط اقلیمی. مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، دورهٔ هفتم، شمارهٔ ۲۷، ۸۵-۱۰۳.
- محمدی، عرفان؛ مختاری، مهدیه. (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر معماری سنتی بر معماری معاصر با نگاه بر معماری شهری کاشان،.معماری‌شناسی، سال اول، شمارهٔ ۲، ۵-۱۰.
- مرادی، مریم؛ طاهرسیما، سارا. (۱۳۹۵)، تأثیر عامل مشترک محرمیت و اقلیم بر شکل‌گیری فضایی حیاط مرکزی در خانه‌های سنتی شهر خرمشهر. کنفرانس سالانهٔ عمران، معماری، شهرسازی و علوم جغرافیا در ایران باستان و معاصر، تهران، ۱-۱۵.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۴)، آشنایی با معماری مسکونی ایرانی: گونه‌شناسی درونگرا، سروش دانش، تهران.
- معماریان، غلامحسین؛ دهقانی تفتی، محسن. (۱۳۹۷)، در جست‌وجوی معنایی نو برای مفهوم گونه و گونه‌شناسی در معماری (مطالعهٔ موردی: خانه‌گونهٔ تالاردار شهر تفت)، مسکن و محیط روستا، شمارهٔ ۱۶۲، تابستان، ۲۱-۳۸.
- معماریان، غلامحسین؛ طبرسا، محمدعلی. (۱۳۹۲)، گونه و گونه‌شناسی معماری. انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شمارهٔ ۶، ۱۰۳-۱۱۴.
- میرسجادی، سید امیر؛ فرکیش، هیرو. (۱۳۹۵)، بازشناسی الگوها و شناخت فاکتورهای کالبدی تأثیرگذار در بافت

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.87]

مسکونی سنتی نیشابور. فصلنامهٔ پژوهش‌های معماری اسلامی، سال چهارم، شمارهٔ ۱۱، ۷۱-۸۸.
- نوایی، کامبیز؛ کامبیز، حاجی‌قاسمی. (۱۳۹۰)، خشت و خیال، شرح معماری اسلامی ایران: سروش، تهران.
- نوابخش، مهرداد؛ شیرازی، محمد؛ آقااحمدی، قربانعلی. (۱۳۹۳)، نگرشی جامعه‌شناسانه بر معماری خانه‌های تاریخی کاشان. نشریهٔ هویت شهر، سال هشتم، شمارهٔ ۲۰، ۴۵-۵۴.
- یاران، علی؛ بهرو، حسین؛ نظام‌دوست، علیرضا. (۱۳۹۹)، تبیین اصول هویت‌ساز در معماری خانه‌های طباطبائی و بروجردی. معماری و شهرسازی آرمانشهر، شمارهٔ ۳۰، ۲۰۱-۲۱۲.
- Elif Mihçioğlu Bilgi & Ege Uluca Tümer. (2020). "Building Typologies in Between the Vernacular and the Modern: Antakya (Antioch) in the Early 20th Century". SAGE Open. April-June: 1–18
- Montalbán Pozasa, Francisco Javier, Neila González. (2018). "Housing building typology definition in a historical area based on a case study: The Valley, SpainBeatriz". Cities Journal. (72). Part A: 1-7
- Plunz. Richard. (2016): "A History of Housing in New York City". Columbia University Press.revised edition
- Roodgar, Mahsa & Mahmoudi, Mohammad Mehdi & Ebrahimi, Pejman & Molaeid, Damoon (2011): "Sustainability, architectural topology and green building evaluations of Kashan-Iran as a hot-arid region". International Conference on Green Buildings and Sustainable Cities. Bologna, Italy: 811-819
- Zarei, Saeedeh & Yeganeh, Mansour (2019): "Evaluation of homogeneity and disreputability of the social sustainability in Persian traditional house: the case of Kashan". Journal of Sustainable Architecture and Urban Design. (7). summer and autumn: 99-111
- https://razheh.com/buildings
- https://www.talab.org/tourism / historical . html (2021)
- https://archisoft.ir (2019)
- https://razheh.com/buildings (2019)
- http://manouchehri.uspace.ir (2020)
- https://fa.maps-iran.com/kashan, (2018)
- https://dor.org/ 10.22034/40.176.87

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]

[DOI: DOI: 10.22034/40.176.87]